



ائمه (امامان معصوم شیعه)

ائمه پیشوایان معصوم شیعیان می‌باشند. امام در مفهوم خاص بر **انبیاء** و جانشینان آنان اطلاق می‌شود که از جانب **خداوند** متعال دارای منصب والای **امامت** و **ولایت** هستند. امام به این معنا، دارای **ولایت مطلقه** در امور **دین** و **دنیا** و معصوم از گناه و مصون از هر گونه لغزش، اشتباه و فراموشی و **حجت** بر خلق و **خليفة** خداوند در زمین است.

فهرست مندرجات

- ۱ - کاربرد فقهی
 - ۲ - مفهوم لفظ ائمه
 - ۲.۱ - مفهوم عام امام
 - ۲.۲ - مفهوم خاص امام
 - ۳ - تعداد و اسامی امامان
 - ۴ - احکام صادره از امامان
 - ۵ - اعتقاد به امامت و لزوم پیروی از امامان
 - ۶ - محبت و صلوات به ائمه
 - ۷ - احترام اسلامی امامان و مشاهد مشرفه
 - ۸ - گرمی داشت یاد و نام امامان
 - ۹ - توسل و تبرک
 - ۱۰ - غلو نسبت به امامان
 - ۱۱ - دشمنی با امامان
 - ۱۲ - سب امامان
 - ۱۳ - ادعای امامت
 - ۱۴ - تصدیق امامان
 - ۱۵ - ولایت مطلقه امامان
 - ۱۶ - شیون امامان
 - ۱۶.۱ - اقامه نماز جماعت
 - ۱۶.۲ - گرفتن زکات
 - ۱۶.۳ - گرفتن خمس و انفال
 - ۱۶.۴ - امر به جهاد
 - ۱۶.۵ - قضاء و اقامه حد
 - ۱۶.۶ - اقطاع
 - ۱۶.۷ - وارث بی وارثان
 - ۱۶.۸ - ولی دم
 - ۱۷ - بانویس
 - ۱۸ - منبع
- کاربرد فقهی

از این عنوان در بلب‌های بسیاری همچون **طهارت**، **صلوات**، **زکات**، **خمس**، **انفال**، **حج**، **جهاد**، **امر به معروف**، **نکاح**، **اطعمه و اشربه**، **احیاء موات**، **ارث**، **قضاء**، **حدود**، **قصاص** و **دیلت**، از جهات مختلف سخن رفته است.

مفهوم لفظ ائمه

ائمه جمع **امام** و امام در اطلاق فقها در دو مفهوم عام و خاص به کار رفته است.

امام در مفهوم عام، عبارت است از حاکم و ولی مسلمانان (ولایت فقیه)، امام جماعت و امام جمعه. امام به این مفهوم، یا به صورت اضافه به کار می‌رود مانند امام جماعت و امام مسلمانان، و یا با قرینه و چنانچه بدون اضافه و قرینه به کار رود، مراد، معنای خاص آن می‌باشد. که موضوع این مقاله است و از آن به «امام عادل» یا «امام عدل» نیز تعبیر شده است.

[۱] شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایة، ص ۴۰.

[۲] شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایة، ص ۱۱۸.

← مفهوم خلص امام

امام در مفهوم خاص بر انبیا و جانشینان آنان اطلاق می‌شود که از جانب خداوند متعال دارای منصب والای امامت و ولایت هستند. امام به این معنا، دارای ولایت مطلقه در امور دین و دنیا و معصوم از گناه و مصون از هر گونه لغزش، اشتباه و فراموشی و حجتبر خلق و خلیفه خداوند در زمین است.

[۳] ص/سور ۳۸، آیه ۲۶.

[۴] انبیاء/سور ۲۱، آیه ۷۳.

تعداد و اسامی امامان

شمار امامان معصوم علیهم السلام در شریعت اسلام دوازده نفر است

[۵] شیخ مفید، محمد بن محمد النعمان، المقتعة، ص ۳۲.

[۶] حلی، علی بن مطهر، تنکرة الفقهاء، ج ۳، ص ۲۶۸.

که عبارتند از:

(۱) ابو الحسن، علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان.

(۲) ابو محمد، حسن بن علی، المجتبی.

(۳) ابو عبد الله، حسین بن علی، سید الشهداء.

(۴) ابو محمد، علی بن حسین، زین العابدین.

(۵) ابو جعفر، محمد بن علی، باقر العلوم.

(۶) ابو عبد الله، جعفر بن محمد، الصادق.

(۷) ابو الحسن، موسی بن جعفر، کاظم.

(۸) ابو الحسن، علی بن موسی، الرضا.

(۹) ابو جعفر، محمد بن علی، التقی الجواد.

(۱۰) ابو الحسن، علی بن محمد، الهادی.

(۱۱) ابو محمد، حسن بن علی، العسکری.

(۱۲) امام مهدی منتظر، حجة بن الحسن علیهم السلام.

احکام صادره از امامان

احکام صادره از ائمه علیهم السلام خواه مفاد قول آنان باشد یا مستفاد از فعل یا تقریر ایشان، به ضرورت مذهب شیعه و اتفاق همه فقهاء، حجت است.

[۷] طباطباتی بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۶-۲۱۹.

اعتقاد به امامت و لزوم پیروی از امامان

اعتقاد به امامت و ولایت ائمه علیهم السلام و نیز پیروی از ایشان و اطاعت از دستوراتشان بر همه مکلفان واجب است.

[۸] شیخ صدوق، محمد بن علی، الهدایة، ج ۲، ص ۲۵-۴۰.

[۹] شیخ مفید، محمد بن محمد النعمان، المقتعة، ص ۳۲.

از شرایط مرجع تقلید، امام جماعت و نیز صحت عبادت و غیر آن، اعتقاد به امامت امامان است.

محبت و صلوات به ائمه

محبت به ائمه علیهم السلام واجب، و نشانه ایمان است.

[۱۰] مفلس اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۵۲۷.

درود فرستادن بر پیامبر و آل او در تشهد نماز، واجب است.

[۱۱] نجفی، محمد حسن، نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۲۵۳-۲۵۷.

[۱۲] ابو القاسم خوئی، ابو القاسم و بروجردی، مرتضی، مستند العروة (الصلوة)، ج ۸، ص ۳۰۶.

از آن جا که صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ملازم با صلوات بر خاندان آن حضرت است، هر جا که صلوات بر آن حضرت واجب باشد (مانند خطبه نماز جمعه) صلوات بر آل

او نیز به تبع، واجب است) و مانند هنگام ذکر نام آن حضرت (صلوات بر آل او نیز مستحب می‌باشد.

احترام اسامی امامان و مشاهد مشرفه

آیت و روایت بسیاری بر عظمت و جلالت اهل بیت (علیهم‌السلام) تصریح دارد و فقها بر اساس آن فروعی را در بلب های مختلف ذکر کرده اند، از قبیل:

۱. حرمت مس اسامی امامان بدون طهارت به قول مشهور.
[۱۳] طبایبانی حکیم، محسن، مستمسک العروة، ج ۳، ص ۴۵.
[۱۴] شیخ انصاری، مرتضی، کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۵۸۵.
۲. کراهت استنجاء (به قول مشهور) با دستی که در آن انگشتی مزین به نام ائمه باشد؛ در صورتی که نجس نشود و گر نه حرام است.
[۱۵] بحرانی، یوسف، الحقائق الناضرة، ج ۲، ص ۸۲.
۳. الحاق مشاهد مشرفه به مساجد در حرمت دخول جُنب
[۱۶] نجفی، محمدحسن، نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۵۲.
و نجس کردن آن‌ها و وجوب فوری از اله نجاست از آن‌ها
[۱۷] نجفی، محمدحسن، نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۹۸.
و نیز فضیلت نماز گزاردن در آن‌ها، بلکه افضل بودن نماز در آن‌ها از مساجد.
[۱۸] کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، کشف الغطاء، ج ۳، ص ۶۷.
[۱۹] طبایبانی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۶.
[۲۰] طبایبانی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۸۸.
۴. کراهت تقدم بر قبور امامان در نماز بنا بر قول منسوب به مشهور، بلکه کراهت تساوی با قبر بنا بر قول برخی. قول مقابل، حرمت تقدم یا مساوات است.
[۲۱] شیخ بهایی، محمد بن عزّ الدین، حبل المتین، ص ۱۵۹.
[۲۲] بحرانی، یوسف، الحقائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۱۹-۲۲۴.
[۲۳] طبایبانی حکیم، محسن، مستمسک العروة، ج ۵، ص ۴۶۲-۴۶۷.

گرامی داشت یاد و نام امامان

آباد کردن مشاهد ائمه با ساختن، تعمیر و تجدید بنای آن‌ها

- [۲۴] نجفی، محمدحسن، نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۴۱.
 - [۲۵] مکی العاملی، محمد بن جمال الدین، الدرر، ج ۱، ص ۱۱۶.
 - [۲۶] ملکی تبریزی، میرزا جواد، مصباح الفقیه، ج ۵، ص ۴۲۸.
و ذکر و نشر فضائل ایشان مستحب است.
 - [۲۷] حلی، ابن ادریس، السرائر، ج ۳، ص ۶۲۵.
- زیارت قبور امامان و حزن و اندوه و گریستن بر مصائب وارد بر ایشان به ویژه مصائب ایا عبد الله الحسین (علیه‌السلام) مستحب است.
- [۲۸] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۵۶.
 - [۲۹] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۰۰.

آداب ویژه‌ای برای زیارت قبور امامان وارد شده که رعایت آن‌ها برای زائر مستحب است.

- [۳۰] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۲۷.

فقها در بلب حج، بابت با عنوان «بلب المزار» برای بیان این موضوع اختصاص داده اند. برخی نیز کتاب مستقلی در این خصوص نوشته اند، مانند «کامل الزیارات» نگاشته ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی و «المزار» نگاشته ابو عبدالله محمد بن مکی معروف به شهید اول.

توسل و تبرک

توسل به ائمه (علیهم‌السلام) به نص آیه شریفه «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»

- [۳۱] مآئده/سور ۵، آیه ۳۵.

که به درخواست وسیله برای توجه به سوی خداوند امر شده است، امری راجح و مطلوب است. تبرک به ایشان نیز که از مقربان درگاه الهی و از هر نوع پلیدی پاک هستند، امری محبوب و پسندیده است.

در فقه به مواردی از تبرک اشاره شده است؛ از جمله:

۱. استحباب تبرک جستن به مشاهد مشرفه امامان.

- [۳۲] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۶۱.

۲. استحباب تبرک جستن به نام های امامان با نوشتن آن‌ها بر کفن و جریب‌تین

- [۳۳] نجفی، محمدحسن، نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۲۵.

- [۳۴] طبایبانی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۵.

و نامگذاری فرزندان به نام آنان.

[۳۵] [فاضل هندی، محقق اصفهانی، کشف اللثام، ج ۷، ص ۵۲۷.](#)

۳. استحباب نقل [جنازه](#) به مشاهد مشرفه به جهت تبرک.

[۳۶] [نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۴۳.](#)

۴. استحباب تبرک جستن به ترتیب امام حسین (علیه السلام).

[۳۷] [جر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۱۰.](#)

غلو نسبت به امامان

ادعای الوهیت و خدایی ائمه (علیهم السلام) و یا اعتقاد به استقلال یا شراکت آنان با خداوند در آفرین و روزی دادن، [حرام](#)، بلکه موجب [کفر](#) است.

[۳۸] [نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۰.](#)

دشمنی با امامان

دشمنی و [کینه](#) نسبت به ائمه (علیهم السلام) که از آن به «[نصب](#)» تعبیر شده است، [حرام](#)، بلکه موجب [کفر](#) و [نجاست](#) فرد [ناصبی](#) است.

[۳۹] [حسینی عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۴۳.](#)

سب امامان

[دشنام دادن](#) به امامان (علیهم السلام)، حرام و [کشتن](#) دشنام دهنده در صورت امکان، [واجب](#) است،

[۴۰] [جبعی عاملی، علی، مسالک الافهام، ج ۳، ص ۷۵.](#)

[۴۱] [جبعی عاملی، علی، مسالک الافهام، ج ۳، ص ۹۴.](#)

[۴۲] [مسالک جبعی عاملی، علی، الافهام، ج ۱۴، ص ۴۵۲.](#)

[۴۳] [خویی، ابوالقاسم، میانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۶۴.](#)

لیکن در این که نفس [ناسز آگویی](#) هر چند منشأ آن نصب نباشد، موجب [ارتداد](#) و نجاست می‌شود یا در صورتی که نشأت گرفته از دشمنی باشد، اختلاف است.

[۴۴] [کاتیف الغطاء، جعفر بن خضر، کشف الغطاء، ج ۲، ص ۳۵۵.](#)

[۴۵] [نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۵-۵۶.](#)

[۴۶] [خویی، ابوالقاسم، التنقیح \(الطهارة\)، ج ۲، ص ۸۷.](#)

ادعای امامت

از آن جا که منصب [امامت](#) همچون [نبوت](#)، منصبی الهی است و زمام آن به دست [خداوند](#) است، برخی فقیهان، الحاق مدعی امامت را به مدعی نبوت در وجوب کشتن وی، بی وجه ندانسته‌اند.

[۴۷] [نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۲۲.](#)

[۴۸] [سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الاحکام، ج ۲۸، ص ۳۴.](#)

تصدیق امامان

پذیرش سخن امامان (علیهم السلام) در آنچه خبر می‌دهند، بدون [بینه](#) واجب است و سوگند دادن آنان [جایز](#) نیست.

[۴۹] [مکی العاملی، محمد بن جمال الدین، الدروس، ج ۲، ص ۹۰.](#)

به قول مشهور میان [قما](#)، دروغیستن بر ائمه موجب بطان [روزه](#) می‌شود؛ هر چند مشهور [متأخران](#)، آن را نپذیرفته‌اند.

[۵۰] [بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ج ۱۳، ص ۱۴۱.](#)

[۵۱] [نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۲۲۳-۲۲۵.](#)

[۵۲] [زراقی، احمد، مستند الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۵۱-۲۵۴.](#)

ولایت مطلقه امامان

أتمه (عليه السلام) همانند پیامبر (صلی الله علیه وآله) دارای ولایت مطلقه و به استناد «النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم؛ [۵۳] احزاب/سور ۳۳، آیه ۶.

از هر کسی نسبت به **تصرفات** مربوط به وی سزاوارترند.»

شئون امامان

بخشی از مسئولیت‌ها و احکام به عنوان امامان (عليه السلام) مطرح شده که به طور اجمال برای فقهای واجد شرایط در **زمان غیبت** نیز ثابت است این شئون عبارتند از:

← اقامه نماز جماعت

اقامه نماز جمعه، عیدین و میت: وجوب عینی نماز جمعه

[۵۴] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۵۱.

و نماز **عید فطر و قربان**

[۵۵] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۳۳۳.

[۵۶] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۳۴۷.

مشروط به حضور امام علیه السلام است.

[۵۷] **حمزة بن عبد العزیز الدیلمی، ابی یعلی، مراسم العلویة، ص ۷۷.**

[۵۸] **فاضل هندی، محقق اصفهانی، کشف اللثام، ج ۴، ص ۲۰۱.**

امام در صورت حضور بر سر **جنازه**، در اقامه نماز بر **میت** از همه اولی است.

[۵۹] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۲۱.

← گرفتن زکات

در زمان حکومت امام (عليه السلام) پخش **زکات** میان **مستحقان** توسط **مالک** بدون **اذن** امام بنا بر قول تعدادی از فقها جایز نیست.

[۶۰] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۱۶-۴۲۰.

اگر امام زکات مال کسی را بخواهد، پرداخت آن **واجب** است.

[۶۱] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۲۱.

[۶۲] **حلی، علی بن مطهر، تذکرة الفقهاء، ج ۵، ص ۳۱۷.**

بر امام واجب است هر سال افرادی را برای گرفتن و گرد آوردن زکات به اطراف **بلاد اسلامی** گسیل کند؛ البته در صورتی که تحصیل زکات متوقف بر آن باشد.

[۶۳] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۳۳۸.

[۶۴] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۲۴.

برای این افراد نیز، پخش زکات بین مستحقین بدون اذن امام جایز نیست.

[۶۵] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۳۳۸.

[۶۶] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۲۴.

← گرفتن خمس و انفال

به قول مشهور، **خمس** به شش سهم تقسیم می‌شود. سه سهم آن بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله) از آن امام (عليه السلام) است که از آن به «**سهم امام**» تعبیر می‌شود و تصرف در آن بدون اذن امام جایز نیست.

در زمان حضور امام، پرداخت تمامی خمس به وی **واجب** است، لیکن در **زمان غیبت**، در چگونگی آن اختلافاتی وجود دارد.

[۶۷] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۰۹.

[۶۸] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۳۴.

انفال، **ملک رسول خدا (صلی الله علیه وآله)** و پس از ایشان، **ملک امام (عليه السلام)** است که هر گونه **مصلحت** دانست در آن تصرف می‌کند و **تصرف** دیگران در آن بدون اذن امام جایز نیست.

[۶۹] نجفی، **مُحَسِّن**، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۳۴.

← امر به جهاد

مشروعیت **جهاد ابتدایی** و نیز وجوب آن، مشروط به وجود امام یا کسی است که امام او را برای جهاد گمارده است.

[۷۰] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۱.

جهاد با باغیان (یاغی: اهل بغی) در صورت فرخوانی امام، واجب است.

[۷۱] محقق حلی، جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۷.

در صورتی که جهاد به انان امام باشد، خمس غنائمی که به دست مجاهدان اسلام می افتد باید پرداخت شود و چنانچه بدون انان باشد، همه آن ها جزء انفال به شمار می رود و ملک امام است.

[۷۲] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۵.

[۷۳] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۲۶.

امام یا نایب ایشان می تواند به عموم کفار یا برخی از آنان بر حسب مصلحت یا عدم مفسده، امان دهد.

[۷۴] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۹۷.

قرارداد نیمه و صلح و آتش بس، توسط امام یا نایب او بسته می شود.

← قضاء و اقامه حد

قضاوت، مستلزم تصرف در جان، مال و آبروی افراد است. از این جهت، نوعی ولایت به شمار می رود. این ولایت برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام (علیه السلام) ثابت است و تصدی منصب قضاوت برای دیگران جز با نصب خاص یا عام یا انان از سوی ایشان جایز نیست.

[۷۵] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۲۳.

اقامه حدود تنها در صلاحیت امام یا منصوب از جانب امام است.

[۷۶] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۶.

تعزیر نیز از شئون امام و نایب او می باشد، بلکه به قول مشهور، امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که متوقف بر وارد کردن جراحت یا کشتن مرتکب منکر باشد، مشروط به اذن امام است.

[۷۷] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۳-۳۸۵.

امام می تواند در مواردی مجرمی را عفو کند مانند موارد تعزیر و نیز موارد ثبوت حدی که از حق الله است و به اقرار ثابت شده است، نه به بینه.

[۷۸] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۹۳-۲۹۵.

← اقطاع

از دیگر شئون امام جواز اقطاع به هر نحوی که صلاح بداند، می باشد.

[۷۹] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۱۰۱-۱۰۳.

[۸۰] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۱۱۱.

← وارث بی وارثان

اگر کسی بمیرد و وارثی نداشته باشد، اموال او از آن امام خواهد بود؛ زیرا امام وارث بی وارثان است.

[۸۱] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۶۰.

← ولی دم

کسی که کشته شود و ولی دم نداشته باشد، امام ولی دم او و اختیار قصاص قاتل یا گرفتن دیه از وی، به دست او است.

[۸۲] روحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق، ج ۲۶، ص ۳۴۷.

پانویس

۱. ↑ شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایة، ص ۴۰.
۲. ↑ شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایة، ص ۱۱۸.
۳. ↑ ص/سور ۳۸، آیه ۲۶.
۴. ↑ انبیاء/سور ۲۱، آیه ۷۳.
۵. ↑ شیخ مفید، محمد بن محمد النعمان، المقنعة، ص ۳۲.

٦. ↑ حلي، علي بن مطهر، تنكرة الفقهاء، ج٣، ص٢٦٨.
٧. ↑ طباطبائي بروجردي، سيد حسين، جامع احاديث الشيعة، ج١، ص١٢٦-٢١٩.
٨. ↑ شيخ صدوق، محمد بن علي، الهداية، ج٢، ص٢٥-٤٠.
٩. ↑ شيخ مفيد، محمد بن محمد النعمان، المقتعة، ص٣٢.
١٠. ↑ مقس ارديلي، احمد، مجمع الفائدة، ج٧، ص٥٢٧.
١١. ↑ نجفي، محمد حسن، نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج١٠، ص٢٥٣-٢٥٧.
١٢. ↑ أبو القاسم خوئي، أبو القاسم و بروجردي، مرتضى، مستند العروة (الصلاة)، ج٨، ص٣٠٦.
١٣. ↑ طباطبائي حكيم، محسن، مستمسك العروة، ج٣، ص٤٥.
١٤. ↑ شيخ انصاري، مرتضى، كتاب الطهارة، ج٢، ص٥٨٥.
١٥. ↑ بحراني، يوسف، الحدائق الناضرة، ج٢، ص٨٢.
١٦. ↑ نجفي، محسن، نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج٣، ص٥٢.
١٧. ↑ نجفي، محسن، نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج٦، ص٩٨.
١٨. ↑ كاشف الغطاء، جعفر بن خضر، كشف الغطاء، ج٣، ص٦٧.
١٩. ↑ طباطبائي يزدي، محمد كاظم، العروة الوثقى، ج١، ص٥٩٦.
٢٠. ↑ طباطبائي يزدي، محمد كاظم، العروة الوثقى، ج١، ص١٨٨.
٢١. ↑ شيخ بهاي، محمد بن عز الدين، حبل المتين، ص١٥٩.
٢٢. ↑ بحراني، يوسف، الحدائق الناضرة، ج٧، ص٢١٩-٢٢٤.
٢٣. ↑ طباطبائي حكيم، محسن، مستمسك العروة، ج٥، ص٤٦٢-٤٦٧.
٢٤. ↑ نجفي، محسن، نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج٤، ص٣٤١.
٢٥. ↑ مكى العاملي، محمد بن جمال الدين، الدروس، ج١، ص١١٦.
٢٦. ↑ ملكي تبريزي، ميرزا جواد، مصباح الفقيه، ج٥، ص٤٢٨.
٢٧. ↑ حلي، ابن إدريس، السرائر، ج٣، ص٦٢٥.
٢٨. ↑ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ج١٤، ص٤٥٦.
٢٩. ↑ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ج١٤، ص٥٠٠.
٣٠. ↑ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ج١٤، ص٥٢٧.
٣١. ↑ مانده/سوره، آيه٣٥.
٣٢. ↑ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ج١٤، ص٥٦١.
٣٣. ↑ نجفي، محسن، نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج٤، ص٢٢٥.
٣٤. ↑ طباطبائي يزدي، محمد كاظم، العروة الوثقى، ج٢، ص٨٥.
٣٥. ↑ فاضل هندي، محقق اصفهاني، كشف اللثام، ج٧، ص٥٢٧.
٣٦. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج٤، ص٣٤٣.
٣٧. ↑ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ج١٤، ص٥١٠.
٣٨. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج٦، ص٥٠.
٣٩. ↑ حسيني عاملي، سيد جواد، مفتاح الكرامة، ج٢، ص٤٣.
٤٠. ↑ جبعي عاملي، علي، مسالك الافهام، ج٣، ص٧٥.
٤١. ↑ جبعي عاملي، علي، مسالك الافهام، ج٣، ص٩٤.
٤٢. ↑ مسالك جبعي عاملي، علي، الافهام، ج١٤، ص٤٥٢.
٤٣. ↑ خويي، ابو القاسم، مباني تكملة المنهاج، ج١، ص٢٤٤.
٤٤. ↑ كاشف الغطاء، جعفر بن خضر، كشف الغطاء، ج٢، ص٣٥٥.
٤٥. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج٦، ص٥٥-٥٦.
٤٦. ↑ خويي، ابو القاسم، التنقيح (الطهارة)، ج٢، ص٨٧.
٤٧. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج٤١، ص٤٢٢.
٤٨. ↑ سبزواري، سيد عبد الأعلى، مهذب الاحكام، ج٢٨، ص٣٤.
٤٩. ↑ مكى العاملي، محمد بن جمال الدين، الدروس، ج٢، ص٩٠.
٥٠. ↑ بحراني، يوسف، الحدائق الناضرة، ج١٣، ص١٤١.
٥١. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج١٦، ص٢٢٣-٢٢٥.
٥٢. ↑ نراقي، احمد، مستند الشيعة، ج١٠، ص٢٥١-٢٥٤.
٥٣. ↑ احزاب/سوره، آيه٣٣.
٥٤. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج١١، ص١٥١.
٥٥. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج١١، ص٣٣٣.
٥٦. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج١١، ص٣٤٧.
٥٧. ↑ حمزة بن عبد العزيز الديلمي، ابي يعلى، مراسم العلوية، ص٧٧.
٥٨. ↑ فاضل هندي، محقق اصفهاني، كشف اللثام، ج٤، ص٢٠١.
٥٩. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج١٢، ص٢١.
٦٠. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج١٥، ص٤١٦-٤٢٠.
٦١. ↑ نجفي، محسن، جواهر الكلام، ج١٥، ص٤٢١.
٦٢. ↑ حلي، علي بن مطهر، تنكرة الفقهاء، ج٥، ص٣١٧.

۶۳. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۳۳۸.
۶۴. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۲۴.
۶۵. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۳۳۸.
۶۶. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۲۴.
۶۷. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۰۹.
۶۸. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۳۴.
۶۹. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۳۴.
۷۰. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۱.
۷۱. ↑ محقق حلّی، جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۷.
۷۲. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۵.
۷۳. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۲۶.
۷۴. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۹۷.
۷۵. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۲۳.
۷۶. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۶.
۷۷. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۵-۳۸۳.
۷۸. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۹۵-۲۹۳.
۷۹. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۱۰۳-۱۰۱.
۸۰. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۱۱۱.
۸۱. ↑ نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۶۰.
۸۲. ↑ روحانی، سید محمد صادق، فقه الصالح، ج ۲۶، ص ۳۴۷.

منبع

[فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت \(علیهم السلام\)، ج ۱، ص ۸۳-۸۸.](#)

رده‌های این صفحه: [امام شناسی](#) | [شئون امام](#) | [غلو](#) | [کلام](#) | [لعن](#)